

## استعانت از نماز

انسان هر روز گرفتار مشکلات و مصیبت های مادی و جسمی و روحی و روانی می‌شود. اصولا ساختار دنیا بگونه‌ای است که همواره عسر و حرج با آن همراه و قرین است. شاید روزی نباشد که مرگ و میری در میان دوستان و خویشان نداشته باشیم و با ضرر و زبانی به خودمان یا دوستان و آشنایان نرسیده باشد. هر روز خودمان دست کم یک کمبودی در بدن و جسم و روح و روان خودمان احساس می‌کنیم و با آن مواجه می‌شویم.

قرآن برای حل بسیاری از مشکلات و مصیبت‌ها درمان ها و داروهایی تجویز کرده که از جمله آنها می‌توان به استغفار، صدقه، صلح رحم و مانند آن اشاره کرد.

خداوند حتی برای درمان بسیاری از صفات و خلق و خوی طبیعی انسان که نقص و زشت و بد است، درمان هایی بیان می‌کند که موجب اصلاح ساختار انسانی می‌شود.اگر خداوند انسان را موجودی عجول می‌داند که پیش از موعد می‌خواهد کاری را انجام دهد و به انتظار وقت مناسب و موعد آن نمی‌نشیند، درمان آن را بیان کرده است.اگر انسان، بخیل و هلوع و جزوع و منوع است و بسیاری دیگر از خلق و خوی ناپسند را دارد، راه درمان آن را نیز مشخص کرده است. از جمله درمان‌هایی که خداوند برای بسیاری از مشکلات و مصیبت‌ها و کمبودها و نواقص و خوی ناپسند بیان کرده، استعانت‌جویی از نماز است. چنانکه در آیاتی از جمله ۴۵ و ۱۵۲ سوره بقره می فرماید: **اَلَسْتَجِیْبُوْا بِالْحَبْرِ وَالْمَلْأَةِ**، از صبر و نماز کمک بگیرید.

در آیه ۴۵ سوره عنکبوت می‌فرماید: با کمک نماز، خودتان را از فحشاء و منکرات نگاهدارید؛ و در آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره معارج می‌فرماید: برای رهایی از بی‌تابی و حرص زدن،عاجز و لایه‌ها، بخل و مانع خیرسانی شدن ها به دامن نماز بیاویزید؛ زیرا این نماز است که انسان را از این مشکلات رهایی می‌بخشد و از بیماری‌ها و ذرایل روحی و روانی نجات می‌دهد.

البته این از آثار نمازی است که شرایط آن رعایت شود و انسان را سه نمازگزار واقعی در همه حالات و اوقات تبدیل کند.(معارج، آیه ۲۳)

نمازگزار واقعی اصولی را رعایت می‌کند که از جمله آنها بخشندگی به سالل و محروم، قیامت ترسی، حیا و عفت جنسی و مانند آن است. این امور او را در مقام اقامه کننده نماز قرار می‌دهد گویی که نماز را ستون خیمه زندگی‌اش کرده است و همه زندگی اش بر مدار نماز می‌گردد. چنین نمازی ستون دین است.

براین اساس بنا به توصیه قرآن هرگاه مشکلی برای انسان پیش آید شایسته است به نماز پناه ببرد . و با خواندن حداقل دو رکعت نماز با توجه، روح متلاطم خود را به ساحل آرامش برساند و در آن از خدا برای حل مشکلاتش استمداد بطلبد.

## وزن کشی در قیامت

در قرآن سخن از ترازو و میزان است که به وسیله آن، اعمال انسان سنجیده می‌شود. بر اساس آیات قرآن انسان‌ها در قیامت دو دسته هستند:

- کسانی که وزن کشی نمی‌شوند؛ اینها خود به دو گروه دسته‌بندی می‌شوند:

الف: مومنان صالح، چون دارای حسن فاعلی و حسن فعلی هستند؛ یعنی چون این افراد مومن صالح بوده‌اند به طوری که ایمان و عمل صالح جزو سرشت و سیره و ملکه وجودی شان شده و ایمان و عمل صالح مقوم ذات وجودی آنان شده است، چنین افرادی در روز قیامت می‌آنکه از آنان حساب و کتابی نباشد، به بهشت می‌روند. خداوند می‌فرماید: **وَمَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلْيُكْرِمْنِي بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ** **فِيهَا يُعْزَبُ** **حِسَابٌ**، و هر که کار شایسته کند- چه مرد باشد یا زن- در حالی که ایمان داشته باشد، در نتیجه آنان داخل بهشت می‌شوند و در آنجا بی حساب و روزی می‌باشند. (غافر، آیه ۴۰) یعنی همان طوری که بی حساب وارد می‌شوند، روزی بی حساب نیز می‌خورند. در حقیقت ورود ایشان در بهشت و بهره‌مندی آنان، دیگر نیازی به ترازو ندارد تا میزان آن سنجیده شود، بلکه چنان هستند که همه درجات و مراتب بهشت برای آنان است نه درحالی از بهشت؛ چنانکه خداوند درباره مومن عالم فرموده است: **يُزْفَعُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ أَمْثُلًا مِّمَّا كَانُوا عَمِلُوا** **ذُرَّجَاتٍ** **وَمَا تَعْمَلُونَ خَيْرًا**، تا خدا [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و ایمان آورده‌اند درحالی، و کسانی را که دانشمندند به درجاتی بلند گرداند و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است. (مجادله، آیه ۱۱)

ب: کسانی که کافر بوده‌اند و هیچ توبه‌ای برای آخرت نیندوخته‌اند؛

زیرا آنچه به عمل صالح و حسن فعلی ارزش می‌دهد همان نیت و حسن فاعلی است که ایمان است. کسی که مومن نیست، اثر عمل صالح نداشته باشد، خداوند در همین دنیا پاداش عمل صالح او را می‌دهد و در آخرت برایش چیزی نیست.(بقره، آیات ۱۲۰ و ۱۲۰ + ۲۰۰ آل عمران، آیه ۱۷۷، زفر، آیات ۳۳ تا ۳۵) خداوند درباره این گروه دوم می‌فرماید: **أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا** **وَأَيَّاتٍ** **نَّهَبْنَاهُمْ** **فِيحَبْطُ** **أَعْمَالَهُمْ** **فَلَا يُجِبُهُمْ** **لَهُمْ** **يَوْمَ الْقِيَامَةِ** **وَتِلْكَ** **أَنفُسٌ** **كُفِرَتْ** **عَنْ** **رَبِّهَا** **وَأُولَئِكَ** **سُيُفَعَلُونَ** **أَلْفَاظٌ** **كَاثِرَةٌ** **وَلَهُمْ** **عَذَابٌ** **أَلِيمٌ**، برای آنان کفر و ارتداد کردند، در نتیجه اعمالشان تباه گردید و روز قیامت برای آنان فقر و نیاز خواهی نهاد و میزانی برای سنجش اعمالشان بر نمی‌نمای‌کنیم.(کهف، آیه ۱۰۵)

۲. گروه دیگر کسانی هستند که باید وزن کشی شوند. اینان کسانی هستند که ایمان و عمل صالح دارند، ولی مخلوط عمل کرده‌اند. خداوند می‌فرماید: **وَأَخْسَرُوا** **أَمْثَلَهُمْ** **حَطْلًا** **عَمَلًا** **صَالِحًا** **وَأَخْسَرُوا** **سُنْبُلًا**، و دیگریانی هستند که به گناهان خود اعتراف کرده و کار شایسته را با کار بد دیگر درآمیخته‌اند. (توبه، آیه ۱۰۲) این افراد هر چند در نهایت رستگار می‌شوند ولی باید درجات آنان در بهشت تعیین و معلوم شود و به همان میزان آن به ترازو برایشان مشخص می‌شود درجه گرفته و بهره‌مندی از بهشتی می‌شوند. البته ممکن است خداوند در دوزخ برای پاکسازی بگذرانند. به هر حال، این افراد هستند که باید وزن کشی شوند و ترازویی که برای آنان نهاده می‌شود، چیزی جز حق نیست. خداوند می‌فرماید: **وَالَّذِينَ** **يُؤْمِنُونَ** **أَلْحَقَ** **فَمَنْ** **فَعَلَتْ** **مُؤَاظِنَةٌ** **فَأُولَئِكَ** **هُمْ** **الْمُفْلِحُونَ**؛ و سنجش اعمال در آن روز- رستخیز- حق است پس هر که کردارهای سنجیده او سنگین باشد، ایشانند رستگار.(اعراف، آیه ۸)

## جامعه با ظلم هلاک می‌شود

### نه با کفر

«و ما کان ربک لیهلک القری بظلم و اهلهما مصلحون» (هود- ۱۱۷) و بسوردگار تو بر آن نبوده تا آبادی‌هایی را که مردمش اصلاح‌گرند، به ظلم و ستم هلاک کند. پیامبر گرامی(ص) در ذیل این آیه شریفه می‌فرماید: مراد از اصلاح در آیه، انصاف مردم نسبت به یکدیگر است. (تفسیر مجامع البیان)

همچنین آن حضرت در بیانی دیگر می‌فرماید: ای ابن مسعود! با مردم رفتاری منصفانه داشته باش و خیرخواه آنان باش و به آنان رحم کن. اگر چنین باشی و خدا بر مردم شهری غضب کند که تو در میان آنان هستی، به سوی تو نظر می‌کند و به خاطر تو به آنان رحم می‌کند. (بخاری،الانوار، ج۲، ص۱۰۹)
۱- پیام‌های آیه
۱- قهر خداوند دلیل دارد «یهلک القری بظلم»
۲- ظلم علت هلاکت اقوام، ملت‌ها و دولت‌ها است.
۳- صالح بودن تنها کافی نیست، بلکه باید مصلح بود.
۴- خلتالناس بر حق‌الله در نزد خدای متعال ترجیح دارد.
۵- جامعه با کفر و اهل اصلاح نثاروم می‌یابد، ولی با ظلم و اهل اسلام هلاک می‌شود.

##### تکاثرگرایی به جای کوثرگرایی

انسان به اموری به عنوان نیازهای طبیعی و ابتدایی نیازمند است. غذا و امنیت و همسر و مانند آنها از ابتدایی ترین نیازهای بشر است. اصولا انسان در معنای خوشبختی و تنها به دو مولفه و عنصر اصلی آسایش و آرامش توجه دارد و اگر این دو امر تامین نشود، خود را خوشبخت عالم می‌داند. آسایش به معنای تامین مواد غذایی، مسکن،

ابزارهای کار و آسان کردن آن، چون انواع ماشین های حمل و نقل، رختشویی، پخت و پز، گرمایشی و سرمایشی، ارتباطی و مانند آنهاست. از آنجا که تامین این امور نیازمند پول و ثروت است، انسان گرایش به ثروت اندوزی و کسب مال و ثروت پیدا می‌کند تا در تامین این ابزارهای آسایشی ناتوان و درمانده نباشد. اما این گرایش گاه چنان شدید می‌شود که به یک بیماری به عنوان بیماری کنز و تکاثر تبدیل می‌شود.(سوره های تکاثر و همزه؛ توبه، آیه ۳۴) و کنز اندوزی و تکاثرگرایی

### خداوند براساس حکمت و مصلحت گاهی به شخص بیشتر یا کمتر می‌دهد یا حتی گاهی به دیگری بیش از اندازه می‌دهد و درباره دیگری خیلی کمتر می‌دهد، تا آزمونی برای دو طرف باشد.

به عنوان یک بیماری به این معناست که نفس داشتن ثروت و گردآوری و شمارش میزان ثروت و مال به یک امر محبوب و هدف اصلی تبدیل شده و حتی شخص نه تنها حاضر به بخشش آن به دیگری نیست، بلکه حاضر نیست تا برای خودش هزینه کند.

خداوند بیان می‌کند که برخی از انسان ها چنان به اموری علاقه مند می‌شوند که محبت به آن چیز حتی از محبت به خدا نیز فراتر می‌رود؛ **وَمَنْ التَّاسِ مِنْ يَتَخَذَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَدْنَا** **أَوْ يُجْوِرُهُمْ كُفْحٌ** **لِلَّهِ**، و برخی از مردم، در برابر خدا، همانندهای برای او برمی‌گزینند و آنها را چون دوستی می‌دانند. (بقره،آیه ۱۶۵) از جمله چیزهایی که انسان بسیار دوست می‌دارد، مال و ثروت است. همین محبت زیادی به مال و اموری غیر از محبت خدا موجب می‌شود که مسیر زندگی انسان‌ها به طور کامل تغییر کند(آل عمران، آیه ۱۴) ایمان به جای آن که خداوند را هدف و محبوب قرار دهند و در مسیر خدایی شدن گام بردارند، (آل عمران، آیات ۳۱ و ۳۲ بقره، آیه ۱۶۵) به سمت این امور می‌روند تا چیزی که نفس خودشان را معبود خویش قرار می‌دهند. (فرقان، آیه ۴۳، جاثیه، آیه ۲۳)

اینان در مال دوستی افراط می‌کنند، آنگونه که دیگر آخرت را در همین دنیا و آسایش ابدی را در همین جا می‌جویند. از همین رو به جای کوثر که زیادی در خیر است، در تکاثر یعنی زیادی در دنیاگرایی سرمایه گذاری می‌کنند؛ و چون خود میل مزروع و کسزتار و مقدمه ای برای آخرت است و این کنست و کار ما در آخرت درو می‌شود و اگر بخواهیم در دنیا آن را درو کنیم مانند محصول نارس را درو کردن است، از این روست که اهل تکاثر میوه خام و تلخ دنیا را می‌خورند و با هر لذتی که می‌برند یک نارس نیز نوش جان می‌کنند.

##### تقسیم روزی در دنیا

بر اساس آموزه های قرآنی روزی هر آفریده ای از جمله هر انسانی تقسیم شده است. خداوند برآی هر چیزی از جمله روز، خزانتی قرار داده و به میزانی که حکمت الهی و مصلحت مخلوق است به او می‌دهد.(حجر، آیه ۲۱، منافقون، آیه ۷) بنابراین، هر انسانی آن چه روزی اش باشد به او خواهد رسید و تلاش بیشتر او نتیجه فزوتتری نخواهد داشت.

افزون بر این باید توجه داشت‌که خیر هر کسلی آن است که به او می‌رسد و از آن برای تعالی و تکامل خویش بهره می‌برد. ممکن است کسی بسیار بیندوزد ولی هیچ بهره ای نبرد؛ زیرا با هزار درد و بیماری دارد و با ناتوانی است که از ثروت میلیاردری خود بهره برد. چنین انسان تکاثرگرایی و به جمع درده نمی‌تواند بخورد بلکه با دزدی به غارت برد در اوارت به اذیت می‌برد. بی‌آنکه خود از سود دنیوی آن بهره ببرد و هیچ بهره ای نیز در آخرت برای خود ندارد.

اگر انسان بداند که خداوند به هر کسی به

## معارف

Maaref@Kayhan.ir

اشاره:

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات بشری مساله تأمین مالی است؛ زیرا چنین گمان می‌شود که این امر موجب امنیت غذایی و تأمین آسایش و رفاهی از مشکلات جسمی و روحی و روانی است. این گه‌نه است که یکی از چند دغدغه اصلی بشر پس از امر پاسخگویی به مسائل جنسی، امر ثروت اندوزی می‌باشد. اما بسیاری از مردم به تغییر عوام «سورخ دعارا تم کرده‌اند» و افزایش در اموال و ثروت را در جایی می‌جویند که دقیقاً خسارت بار و زیان آور است و حتی نه تنها اصل ثروت را بر باد می‌دهد، بلکه آسیب های جسمی و روحی زیادی در دنیا و جذب بلا و مصیبت در زندگی و شقاوت و بدبختی ابدی را به دنبال دارد. در مطلب پیش رو راهکار صحیح افزایش ثروت وا‌کاو شده است.

## معارف

می‌برد. ریاخوار تنها بر ثروت خود می‌اندوزد و هیچ خیری در دنیا و آخرت از آن نمی‌بیند؛ زیرا با ابزار باطل و مال حرام خیری نمی‌توان کسب کرد.

##### زکات راه افزایش ثروت

خداوند بر گاه از امری نهی می‌کند و آن را به عنوان منکر معرفی می‌کند، جایگزینی نیز معرفی می‌نماید که این جایگزینی در همان حد یا حتی آسان‌تر و بهتر و قابل دسترسی‌تر همگانی است و هم برکات و آثار آن بیشتر می‌باشد. به عنوان

# چگونه ثروت خود را افزایش دهیم؟

*\* هر تفضی شرفخانی*



میزانی که حکمت و مصلحت اقتضا می‌کند می‌دهد، دیگر نباید خود را به رنج افکند و بیش از اندازه حرص زند. خداوند براساس همان حکمت و مصلحت گاهی به شخص بیشتر یا کمتر می‌دهد یا حتی گاهی به دیگری بیش از اندازه می‌دهد و درباره دیگری خیلی کمتر می‌دهد، تا آزمونی برای دو طرف باشد؛ یعنی بکند که آیا دارنده بیشتر به کمتر از خود کمک می‌کند و او را نماید یا آن که آن را کنز می‌کند بی‌آنکه خود استفاده ای برد؛ زیرا احسان و انفاق و اطعام در مکتب الهی به معنای بهره‌مندی شخص از آن مال است؛ این گونه در بانک خود برای آخرت خود ذخیره می‌کند؛ اما آنچه که خود در این دنیا خورد که بر یاد رفت و چیزی نماند مگر آنکه با آن خوردن به عبادتی پرداخته و کاری برای خلق انجام داده باشد و اما آن چیزی که خیرات و میراث کرد برای او در نزد خداوند ذخیره می‌شود و باقی می‌ماند.(نحل، آیه ۹۶)

خداوند می‌فرماید که انسان باید به این نکته توجه کند که دارایی و نداری به معنای اکرام و اهانت نیست؛ پس آن که دارد به مفهوم اکرام خدا نیست و آن که ندارد در نزد خداوند خوار نیست.(فجر، آیات ۱۵ و ۱۶) پس انسان نباید به می‌اند.(نحل، آیه ۹۶)

خداوند می‌فرماید که انسان باید به این نکته توجه کند که دارایی و نداری به معنای اکرام و اهانت نیست؛ پس آن که دارد به مفهوم اکرام خدا نیست و آن که ندارد در نزد خداوند خوار نیست.(فجر، آیات ۱۵ و ۱۶) پس انسان نباید به

### خداوند ریاخوار را دشمن خود معرفی می‌کند که به جنگ خدا آمده است. می‌بایست خود را آماده همه نوع بلاها و مصیبت‌ها کند؛ زیرا سلامتی جسم و روح خداوند الهی است و چون ریاخوار به جنگ رسمی خداوند رفته، نخستین پاتک خداوند به او این استست که سلامت جسم و روح را از او می‌گیرد و او را به جنون و دیوانگی مبتلا می‌کند که نخستین علائم و نشانه های آن افسردگی و دل‌مردگی است.

درسیاق مسئله را مطرح شده می‌توان گفت که بسیاری از بلایای اجتماعی و فساد در زمین به دلیل همین رویه شوم ریاخواری است؛ زیرا این عمل زشت در حقیقت ریشه می‌دواند که مردم در مسیر باطل قرار گرفته‌اند و حاضر به احسان و انفاق و پرداخت زکات مال خود نیستند. همچنین هر ربا‌فنده‌های یک رباگیرنده‌ای دارد که به دو کار این کار، خود و خائنوار را به بلا و مصیبت دچار می‌کنند. این‌گونه است که باید گفت که بسیاری از بیماری‌ها و مشکلات و دردها و مصیبت‌های جامعه به دلیل همین فرهنگ ریاخواری پدیدار می‌شود.

ریاخوار گمان می‌کند که با ریاخواری، سود و بهره‌ای گرفته و به مال و ثروتش افزوده است، در حالی که چنین نیست و در حقیقت سوراخ دعا گرم کرده است؛ زیرا او با این کارش هرگز به ثروت خود در واقع پیغزوده است؛ چرا که داشتن مال و ثروت و تکاثر آن به معنای بهره‌مندی از آن نیست؛ از این رو خداوند در باره این مال و ثروت تعبیر به خیر نمی‌کند، بلکه آن را شر می‌داند؛ یعنی نعمتی است که خودش برای جان شخص می‌شود و هیچ خیری از آن نمی‌برد؛ چرا که خیر صله رحم و جهاد، و هر چه صلاح قلب و سلامت دین تو در آن باشد.»(بخاری،الانوار، ج۲، ص ۱۰)

مرحوم آقای پهلوانسی می‌فرمودند: آقای قاضی از هیچ کرامتی خوششان نمی‌آمد. همان آقای قاضی که عرفای معاصر همه جیره‌خوار سفره او هستند، جمله‌ای دارند که حاکی از نهایت بلوغ این عارف است. می‌فرمودند: «عالم پر از کرامت است و کرامت ما به هیچ وجه نمی‌تواند به کرامت عالم برسد اگر دنبال کرامت هستی همه دارت مملو از کرامت هستند.»

نومنه‌ای از کرامت عالم این است که نوعی پرورانه در طبیعت وجود دارد که این پرورانه موقعی که وجود دارد و به نفس‌نفس بیفتد؛ زیرا پادشاه عالی هشت بهشت جز به تانفس و پیشی‌گرفتنی به دست نمی‌آید.گمان نکنید با سرعت بیخیزان؛ پس در کارهای این بهشت‌ها و نعمت‌هایش برسد. بلکه باید همانند اولیای مقرب از معصومان(ع)جان‌سخت و سبقت بگیردی که به نفس‌نفس بیفتندی پس به سوی کارهای خیر با سرعت و پیشگامی تمام‌نفس‌تان حرکت کنید؛

نومنه حضرت لوط (ع) مردم را از هم‌جنس‌بازی باز می‌داشت و در همان حال جایگزین عینی معرفی کرده و می‌فرمود که این دختران من برای ازدواج آماده هستند. (هود، آیه ۷۸، حجر، آیات ۷۰ و ۷۱) از آنجا که انسان نیازمند مال و ثروت برای آسایش است و حتی فقدان آن نیز موجب آرامش‌زدایی می‌شود، خداوند وقتی از ربا به عنوان راه باطل و نادرست برای ثروت‌اندوزی یاد می‌کند، جایگزین مناسبی نیز قرار می‌دهد که همان زکات است؛ زکات در لغت به معنای نمو

### از نظر قرآن، زکات بسا آنکه ظاهرا از دست دادن مال است، در باطن افزایش ثروت و مال است؛ و ربا با آنکه ظاهرش افزایش مال است، در باطن کاهش مال و ثروت است؛ زیرا برکت و افزایش را خداوند می‌دهد نه دیگری.

و رحیم است که انسان را در این دنیا تنبیه می‌کند تا بیدار شود؛ چرا که تنها بخشی کوچک از بازتاب زشت اعمالش را به او نشان می‌دهد و او را تنبیه می‌کند و اگر می‌خواست همه آنچه می‌کند را به عنوان واکنش عمل او نشان دهد که وضعیت فلاکت باری پیدا می‌کرد. (روم، آیه ۴۱)

##### ریاخواری عامل کاهش روزی

یکی از عللی که موجب کاهش روزی می‌شود، ربا خواری است. ریاخوار با عمل خود نه تنها به مال خویش نمی‌افزاید بلکه مال خویش را در یک فرآیندی از دست می‌دهد و در همین دنیا به انواع مصیبت ها و بلایای سخت درمان مبتلا می‌شود. خداوند ریاخوار را دشمن خود معرفی می‌کند که به جنگ خدا آمده است.(بقره، آیه ۲۷۹)

چنین شخصی به دلیل اعلان رسمی جنگ با خدا، می‌بایست خود را آماده همه نوع بلاها و مصیبت‌ها کند؛ زیرا سلامتی جسم و روح عنایت الهی است و چون ریاخوار به جنگ رسمی خداوند رفته، نخستین پاتک خداوند به او این است که سلامت جسم و روح را از او می‌گیرد و او را به جنون و دیوانگی مبتلا می‌کند که نخستین علائم و نشانه های آن افسردگی و دل‌مردگی است. از نظر قرآن بر اساس آیه ۴۱ سوره روم که

خداوند ریاخوار را دشمن خود معرفی می‌کند که به جنگ خدا آمده است. می‌بایست خود را آماده همه نوع بلاها و مصیبت‌ها کند؛ زیرا سلامتی جسم و روح خداوند الهی است و چون ریاخوار به جنگ رسمی خداوند رفته، نخستین پاتک خداوند به او این استست که سلامت جسم و روح را از او می‌گیرد و او را به جنون و دیوانگی مبتلا می‌کند که نخستین علائم و نشانه های آن افسردگی و دل‌مردگی است.

درسیاق مسئله را مطرح شده می‌توان گفت که بسیاری از بلایای اجتماعی و فساد در زمین به دلیل همین رویه شوم ریاخواری است؛ زیرا این عمل زشت در حقیقت ریشه می‌دواند که مردم در مسیر باطل قرار گرفته‌اند و حاضر به احسان و انفاق و پرداخت زکات مال خود نیستند. همچنین هر ربا‌فنده‌های یک رباگیرنده‌ای دارد که به دو کار این کار، خود و خائنوار را به بلا و مصیبت دچار می‌کنند. این‌گونه است که باید گفت که بسیاری از بیماری‌ها و مشکلات و دردها و مصیبت‌های جامعه به دلیل همین فرهنگ ریاخواری پدیدار می‌شود.

ریاخوار گمان می‌کند که با ریاخواری، سود و بهره‌ای گرفته و به مال و ثروتش افزوده است، در حالی که چنین نیست و در حقیقت سوراخ دعا گرم کرده است؛ زیرا او با این کارش هرگز به ثروت خود در واقع پیغزوده است؛ چرا که داشتن مال و ثروت و تکاثر آن به معنای بهره‌مندی از آن نیست؛ از این رو خداوند در باره این مال و ثروت تعبیر به خیر نمی‌کند، بلکه آن را شر می‌داند؛ یعنی نعمتی است که خودش برای جان شخص می‌شود و هیچ خیری از آن نمی‌برد؛ چرا که خیر صله رحم و جهاد، و هر چه صلاح قلب و سلامت دین تو در آن باشد.»(بخاری،الانوار، ج۲، ص ۱۰)

روش را از کجا یاد گرفته است؟ امیر المؤمنین(ع) در نهج‌البلاغه نکته دیگر این است که این پرورانه نبش و سم خود را تا اندازه‌ای وارد بدن کرم می‌کند که این کرم نه باید مردم به ربا‌تراجع نمایند، مایه

## اوج نانوفناوری در طبیعت

بمیرد و نه بتوانند فرار کند و نه قادر به حرکت باشد.وقتی این کرم کاملاًبی‌حس شد، پرورانه شروع به تخرنگذاری می‌کند و حشرات تازه از تخم درآمده از بدن بی‌حس آن کرم تغذیه می‌کنند. این کارها را چه کسی به این پرورانه آموخته؟

کاملاً بی‌حس می‌شود. این پرورانه در اطراف آن کرم تخرم‌گذاری می‌کند.دقت کنید اولاً پرورانه کرم را نمی‌کشد چون اگر کرم بمیرد تعفن آن همه اطراف را می‌گیرد و می‌پوسد و از بین می‌رود و چیزی برای تغذیه نمی‌ماند، این پرورانه این علم شناخت و با علم معرفی کرد.

##### چراغ راه

### گناهان مستوجب نزول عذاب

قال الامام السجّاد(ع): «الذنوب التي تنزل النقم، عصيان العارف بالبعي، و التناول علی الناس، و الاستهزاء بهم السخریه منهم»
امام سجّاد(ع) می‌فرماید: گناهانی که باعث نزول عذاب می‌شوند، عبارت‌اند از: ستم کردن شخص از روی آگاهی، تجاوز به حقوق مردم، و دست انداختن و مسخره کردن آنان.<sup>(۱)</sup>

۱- معانی الاخبار، ص ۲۷۰

##### حکایت خوبان

### دفاع از ارزش‌های رفتاری مشرکین

درجنگ بدر (که در سال دوم هجرت واقع شد) شکست سختی بر مشرکان وارد گردید، در بحران جنگ، یکی از سرشناسان شرک به نام «ابوالبختری» در محاصره سلعشوران اسلام قرار گرفت. پیامبر(ص) سفارش کرده بود که «ابوالبختری» را نکشند، زیرا در آغاز بعثت، عین اینکه مشرک بود، مشرکان را از آزار به پیامبر(ص) باز می‌داشت و در نقض صحیفه (قطعنامه مشرکان درباره قتل پیامبر(ص)) کوشش می‌نمود و پیامبر(ص) این چنین به ارزش‌ها هر چند ساهل از آن گذشته بود احترام می‌گذاشت.

مسلمانان سفارش پیامبر(ص) را به او خبر دادند، او گفت: رفیق و دوستم «مجدترین زیاده» را نیز ببخشید، مسلمانان گفتند: این سفارش تنها مربوط به تو است نه دوستت. او اِلجاجت کرد و گفت: حال که چنین است هر دوی ما را بکشید، تا زنان قریش نگویند؛ من بر دنیا حریص بودم و حاضر شدم دوستم را بکشند، ولی خودم رفاهی یابم، در نتیجه پس از گرفتن دستور از پیامبر(ص) هر دو را کشتند.<sup>(۱)</sup>آری «ابوالبختری» آن سیه‌پخت بر اثر تصعب غلط به هلاکت رسید.

۱- کاملان ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۲۸

### پرسش و پاسخ

### عدم هلاکت امت ظالم مصلح

پرسش:
از منظر قرآن کریم چگونه میان امت ظالم و اهل اصلاح قابل جمع است که خدای متعال وعده عدم هلاکت آنها را داده است؟
پاسخ:

یکی از سنت‌های قطعی و لاینغیر در قرآن کریم سنت هلاکت است که درآیات متعددی بیان شده است. ظلم، گناه و فسق و فجور از اهم عواملی هستند که خدای متعال به سبب آنها ناست‌ها، جماع و تمدن‌ها را هلاک می‌گرداند. امسا در میان این آیات یک آیه عجیبی وجود دارد که خداوند می‌فرماید: «و ما کان ربک لیهلک القری بظلم و اهلهما مصلحون» «پروردگار تو هرگز چنین نیست که بر دمی را به موجب ظلمی هلاک کند، در حالی که آنها مصلح و نیک‌اند.»(هود- ۱۱۷)

اینکه هم ظالمند و هم اصلاح‌کننده یعنی چه؟ مقصود از ظلم در اینجا آن ظلم عظیم است که شرک است، و مقصود از اینکه مصلح هستند، یعنی در میان خودشان مصلحند. پس ظلمشان در حق‌الله است، و اصلاحشان در حق‌الناس.

بنابراین قرآن کریم این‌طور می‌گوید: که اگر مردمی خودشان برای خودشان در دنیا خوب باشند، اما کافر و با مشرک باشند، (به عبارت دیگر) عدالت در میانشان برقرار باشد، ولی مشرک باشند، در این دنیا خدا آنها را معذب نمی‌کند.
پس معلوم می‌شود هر گناهی یک خاصیتی دارد. این است که پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «الملک یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم» جمله عجیبی است: یک ملک، یک دولت، یک نظام با کفر قابل بقا هست، ولی با ظلم قابل بقا نیست (بخاری،انوار، ج ۲، ص ۳۳۱) هم کفر گناه است و هم ظلم، اما هر گناهی در یک جهت تأثیر دارد. تأثیر کفر در اینکه نظام یک زندگی را در هم بپاشد، به اندازه ظلم نیست. پس ما اگر دو جمعیت داشته باشیم، یک جمعیت مسلمان باشند، ولی در میان خودشان ظالم باشند، دشمن به یکدیگر ظلم نکنند، و جمعیت دیگر کافر باشند، اما نسبت به خودشان عدالت و انصاف داشته باشند، از نظر اخروی آن مسلمان‌ها مسلماً بهتر بوده‌اند. (آشنایی با قرآن، ج ۲، ص ۱۴۲) بنابراین در جامعه‌ای که حقوق انسان‌ها محترم شمرده می‌شود، و قانون و قاعده خره‌مندانه و منصفانه‌ای بر رفتار دولتمردان و شهروندان حاکم است، مردم با احساس امنیت و رضایت زندگی می‌کنند، و همین احساس، به آرامش روانی و پایداری اجتماعی و ثبات سیاسی می‌انجامد، در چنین وضعی انگیزه‌ای برای طغیان و شورش و برانزاری وجود ندارد. در این جامعه کفر و بی‌دینی با امنیت، رفاه و آسایش جمع می‌شود و نامسلمانان با طمینان از رعایت حقوقشان، تن به حاکمیت دولتمردان می‌دهند. با این شرایط، خداوند قیامت را در یک شرک، آنان را گرفتار عذاب نمی‌کند و زندگی را بر کاشمان تلخ نمی‌نماید. بنابراین در منطق قرآن بگفتن رکن اولی از مصلح درباره کسانی که تعادیل باطل داشته و اوده به شرک و کفر هستند، جایز نیست؛ زیرا جلوه‌های بسپنده زندگی آنها قبیل رعایت حقوق یکدیگر و دوری از تعدی و تجاوز نمی‌نمی‌شود و مصلح بودنشان مورد تأیید قرار می‌گیرد از همین‌وست که علمای اسلامی گاه اذعان دارند عدالتی که در برخی از کشورهای مسیحی وجود دارد برای مسلمانان کسرتی ضروری نیست. (علامه شعرانی، تعلیقه بر شرح کافی ملاحیح، ج ۵، ص ۲۷۸)

همچنین شهید مطهری اذعان دارد: «آنچه در معنویات نقش اساسی دارد، حسن روابط خلقی است، یعنی عدل و احسان، نه حسن روابط الهی، و اگر به فرض اولی تأمین باشد نه دومی، بقای واحد اجتماعی مستم است، والا فلا» (یادداشت‌ها، ج ۲، ص ۴۰۶)

### سلوک عارفانه

### سالک چگونه شیطان را جذب خود می‌کند؟

(بدان ای سالک راه خدا!) اگر سنگی گرسنه رو به شما آورد و همراهتان نان یا گوشت باشد، آیا به گفتن «چخ» رد می‌شود؟ چوب هم بلند کنی قایده ندارد و دست‌بردار نیست، اما اگر هیچ (غذایی) همراه نداشته باشی، با آن شامه قوی که (سگ) دارد، چون می‌فهمد چیزی نداری، تا گفتی «چخ» قوراً می‌رود. دل‌ت شمای نیز (طعمه) مورد نظر شیطان است. نگاه می‌دهد که دل اگر آذوقه او مانند: حب مال- زر و زیور، شهرت، مقام، حسدات، بخل و… در آن باشد، می‌بیند به‌یبه چه جای خوبی برای اوست. همانجا متمرکز می‌شود. اگر صد هزار بار هم «باید علو بنده من‌الشیطان‌الرحیم» بگویی، به این چخ‌ها رد نمی‌شود، چون این دشمن خیلی سرسخت است. «نه کلمه عود مبین» بلی اگر طعمه‌اش از دور کردی، آنگاه می‌بیند وسیله ماندن ندارد و با یک استغاده فرار می‌کند.<sup>(۱)</sup>

۱- توصیه‌هایی از شهید محراب آیت‌الله دستغیب، برسمان، ۱۵ش

**صفحه معارف روزهای: شنبه، یک‌شنبه**
**سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود**
**تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۶۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱**
**Maaref@kayhan.ir**